

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۳۴ ■ چهارشنبه ■ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۳/۰۴ | آذان مغرب ۲۰/۰۹ | نیمه شب شرعی ۰۵/۱۵ | آذان صبح فردا ۴/۴۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۳

امام علی علیه السلام: لَوْ تَمَيَّزَتِ الْأَشْيَاءُ لَكَانَ الصَّدُوقُ مَعَ الشَّجَاعَةِ وَ كَانَ الْجُبْنَ مَعَ الْكَذِبِ
اگر خصلت‌ها از یکدیگر متمایز و جدا شوند، هر آینه راستی با شجاعت باشد و بذلی با دروغ.

تصنیف غررالحکم و درر الکلم ص ۱۹، ح ۴۳۴۹

نگاره



سنگینی کرونا و فقر



پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت روز ملی خلیج فارس

فرستی برای گرامیداشت هزاران سال فرهنگ، تمدن و هنر ایرانیان

سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت روز ملی خلیج‌فارس پیام داد. در متن پیام ایشان آمده است: «روز ملی خلیج فارس فرصتی برای گرامیداشت هزاران سال فرهنگ، تمدن و هنر ایرانیان است. سده‌های بی‌دریی سکونت و خلق آثار شگفت‌انگیز فرهنگی و هنری در کرانه این دریا، تمدن دیرپا و ذوق هنری سرشار ایرانیان را نمایان ساخته است. بندرها و جزایر آباد و پرنعمت که هر یک چند سده در شمال، جنوب، غرب و شرق این دریا خودنمایی کرده‌اند و کاوش‌های باستان‌شناسی در این شهرها، فرهنگ، هنر و اقتصاد ایرانیان را در گذشته‌های دور برما روشن می‌سازد. این تمدن در شمال و جنوب خلیج‌فارس ریشه داشته و ساکنان کنونی همه بخش‌ها و کرانه و پس کرانه‌های خلیج فارس و امدار و میراث‌دار فرهنگ و تمدن ایرانی هستند. باستان‌شناسان در جای جای خلیج فارس هرچه بیشتر این کرانه‌ها را کاوش کنند، یادگارهای بیشتری از تمدن و فرهنگ و هنر ایرانی در آن خواهند یافت.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین با اشاره به تاریخ خلیج‌فارس افزوده است: «خطه خلیج‌فارس زادگاه انسان‌هایی است که پیشینه درازی در مرزداری، دریانوردی و بازرگانی دارند. هزاره‌های بی‌دریی بازرگانی با شرق و غرب، از خاور دور تا هند و بندرهای آفریقا هرکدام یادگارهای بسیاری از فرهنگ، هنر، دین و مذهب ایرانیان را در خود جای داده است. دریانوردان این مرز و بوم در سفرهای بازرگانی دور و دراز خود علاوه بر خرید و فروش کالا، آداب و رسوم ایرانیان را نیز برای میزبانان خود به ارمغان می‌بردند. بازرگانان که روح و پیشرفت کار خود را وابسته به‌وجود امنیت و آرامش می‌دیدند در هنگام جنگ و جدال و یورش بیگانگان به این سرزمین لباس سربازی به تن کرده و پاسدار مرزها و امنیت، ناموس و فرهنگ و تمدن این سرزمین بوده‌اند.» سیدعباس صالحی ضمن اشاره به اهمیت جغرافیایی و سیاسی خلیج فارس اضافه کرده است: «از منظر سیاسی نیز کرانه و پس کرانه این دریا در شمال و جنوب و شرق و غرب از سده‌های پیش از میلاد مسیح در اختیار ایرانیان بوده است و کاوش‌های باستان‌شناسی در شهرهای گوناگون در همه کرانه و پس کرانه‌های خلیج فارس در شمال و جنوب و شرق و غرب گواه این نظریه است. ایرانیان پیش از آنکه دیگر اقوام به کرانه‌های این دریا وارد شوند هزاره‌های بی‌دریی ساکن این کرانه‌ها بوده و تمدن دریایی را در کرانه‌های خلیج فارس پی‌ریزی کرده‌اند که دیگر اقوام و ملل را به خود جذب کرده است. به گواهی مورخان خلیج فارس خاستگاه تمدن بشری است. مدیتهی که همه جهانپان مدیون آن هستند. همه گروه‌های قومی و زبانی در جای‌جای ایران اسلامی پاسدار این میراث ارزشمند بوده و نام خلیج‌فارس برای تک تک ایرانیان یادآور شکوه، بزرگی و تاریخ‌زیرین فرهنگ و تمدن ایرانی در جهان است.»

عکس و خبری که پنتاگون منتشر کرده سوژه جدید شبکه‌های اجتماعی شده است. پنتاگون ویدئوهایی را از حالت محرمانه خارج کرده که پرواز اشیای مشکوکی را در هوا نشان می دهند. گفته شده این اشیا «یوفو»ها هستند اما بعضی‌ها به شوخی این فیلم‌ها را نشانه حضور «فضایی‌ها» می دانند: «فقط مونده فضایی‌ها حمله کنن،» «به نظر من اصلاً کرونا کار همین فضایی‌ها بوده، همه تو خونه‌هاشون هستن راحت می‌تونن کل زمینو بگیرن، اگه هم بخوایم جنگیم باهاشون که باید تجمع کنیم اونطوریم کلی میمیرن، قشنگ شرایط برد برده.»، «آش کدش فضایی‌ها صبر کن من پروژه اول رو ببندم، آرزو به دل نمیرم.» «احتمالاً انعکاس نور ماهواره‌ها باشه. ولی ایکاش آدم فضایی بودن تا هیجان زندگی میرفت بالا»، «چرا به فضایی‌ها میگی؟ آدم فضایی؟ چه شباهتی به آدم‌دارن آخه؟»، «تا دیروز داشتم به برخورد احتمالی اون سیاره به زمین فکر می کردم و امروز داریم به تأیید وجود آدم فضایی‌ها و شیطاب پرندehا فکر می‌کنیم. کی بود می گفت زندگیمون بدون هیجانه؟»، «وسرانجام انتظارا داریم به پایان رسید. ۲۰۲۰ifo. دیروز پنتاگون بالاخره صحت این فیلم‌ها رو تأیید کرد. ۳۰ تا فیلمه که توسط برویج خلبان‌های نیروی دریایی امریکا گرفته شده بود و قبلاً در زکرده بودن. یعنی به طور رسمی از سال ۲۰۰۴ مهمان داشتم. امیدوارم موجودات صلح‌جویی باشن.»، «دوستان با سواد عزیز (UFO) به معنی آدم فضایی یا سفینه آدم فضایی‌ها نیست، (UFO) یعنی (Unidentified Flying Object) یا همون «جسم پرندh غیرقابل تشخیص». این جسم ناشناخته الزاماً ربطی به تمدنی ماورا زمینی نداره و می‌تونه هر چیزی باشه.»، «در مورد این خبریگم که پنتاگون فقط وجود این فیلم‌ها رو تأیید کرده و گفته این UFO ها رو رصد کردن اما از این جمله سریع نتیجه نگیرید که آدم فضایی وجود داره.

سرعت کم اینترنت

چند روزی است که کاربران از سرعت کم اینترنت گلایه می کنند. بخصوص کسانی که اینترنت خانگی و مخابرات دارند. دیروز این گلایه‌ها بیشتر شد و کاربران زیادی با منشن کردن وزیر ارتباطات از او می‌خواستند دلیل این مسأله را توضیح هه‌د آن هم در روزهایی که خبرهایی از افزایش سرعت اینترنت منتشر می‌شود: «زنگ زدیم پشتیبانی میگم چرا سرعت اینترنت کمه؟ میگه سرعت اینترنت کم نیست، تو خیلی عجله داری! اینام دیگه زدن تو کار مسخره کردن»، «عجیب‌ترین حرف را یک دستگاه دولتی را شنیدم. تا همین ۱۰ روز قبل اینترنت همه‌ام حوالی منزل ما (رشت، میدان سرگل) عالی بود به بیکاره ه شد چندین بار زنگ زدیم ۹۹۹۰ نه‌ایتا دیروز بهم زنگ زدند گفتند دکل آنتن برداشته شده بگردید یک زمین پنج در پنج متر پیدا کنید و به ما اطلاع بدید دکل نصب کنیم.»، «از دیروز عصر وضعیت اینترنت خونه داغونه. سرویسی که از مخابرات گرفتمم وقتی به پشتیبانی زنگ می‌زنیم نفر ۱۵۸ هستیم! کاش بفهمن تو این وضعیت دورکاری چقدر داشتن اینترنت نر مال (نه حتی عالی و پرسرعت همهه)»، «به هفته پیش از مخابرات زنگ زدن و گفتن وزیر دستور ارائه اینترنت VDSL رو دادن و سرای ۸ برابر میشه خیلی خوبه. ما هم گرفتیم. الان هم اینترنت ندارم و هم تلفن‌خون مون قطع شده»، «آقای وزیر کسی قرار نیست پاسخگوی وضعیت افتضاح اینترنت خانگی مخابرات باشه؟! این درسته که من با سرویسی که به اسم ۱۶Mb/s خریدم ایچیلیم به سختی باز بشه و سرعت داتلودم ۲۰ kb/s باشه؟! پشتیبانی مخابرات که پاسخگو نیست، اگه شما هم کاری ازتون برنمیدام مودم‌ها رو بنویزیم دورا!»

قطعه ای که از دل برخاست

«خلیج فارس» یک قطعه نوستالژی برای همه ما است و در اغلب کنسرت‌هایم چه در شهرهای مختلف ایران و چه خارج از کشور به‌عنوان آخرین قطعه این‌کار زبیا را می‌خوانم و بسیار هم مورد استقبال قرار می‌گیرد و حتی در کنسرت آن‌را کرديم. «نوروزخانه» باردیگر آن را اجرا کردیم.

«خلیج فارس» یک اثر کاملاً دلی است نه سفارشی و حس و دغدغه خود من بوده است که سال پیش ساخته شده است. البته بعد از آن قطعات ملی- میهنی دیگر هم ساختم اما خلیج فارس برایم حس و حال دیگری دارد.



خواننده و آهنگساز

خودش می‌گوید از سال ۱۳۴۹ که پا به بندرعباس گذاشت و از همان اول که چشمش به خلیج فارس روشن شد، دیگر هرگز دلش نمی‌خواست جایی جز در همسایگی دریا زندگی کند. ماند و باز به گفته خودش شعرهایش را از همان‌جا به آبی‌های دیگر رساند و مجذوب هیج، جز همان‌جا که خانه کرده بود نشد. دریا و خلیج و ساحل و تمام کلماتی که نشان از بوم جنوب و به‌طور خاص بندرعباس و خلیج فارس دارند در شعر محمدعلی بهمنی از بسامد بالایی برخوردارند و شعر و ترانه او را از همان ابتدا تا امروز، متفاوت و متمایز کرده است و البته استخوان‌دار. با بهمنی از خلیج فارس حرف زدیم و هر آنچه او و شعرش را مسحور خود کرده و یاد بعضی نفرات در گذشته هم به‌میان آمد از جمله ناصر عبدالهی و ابراهیم منصفی.

■ **شمال‌سال‌هاست همسایه خلیج فارس هستید. این همسایگی چقدر در الهام، نگاه و شهود شاعرانه شما تأثیر داشته است؟**
بسیار زیاد. آب و هوای خلیج‌فارس با تمام باورهای داغی که از این آب و هوا وجود دارد، انگار برای زندگی کردن خلق شده است. ممکن است برخی مسائل در این بوم و آب و هوا و این خلیج تأثیر بگذارد اما این تأثیر آنچنان غالب نیست و از هر زاویه‌ای که به آن نگاه کنبد شگفتی می‌بینید و در آن شگفتی نفس می‌کشید. این هوا و بوم و اقلیم قدرتی شگرف دارد و نمی‌گذارد چیزی یا کسی آن را از مردم دریغ کند و این تجربه زندگی و زیست من در همسایگی خلیج فارس است. اینجا بر خلاف گرمایی که در ابتدای ورود به خود تلقین می‌کنیم، هوا بومی دارد که عمر را زیاد می‌کند و از مردم بومی‌اش هم اگر بخواهم چیزی بگویم فقط اصالت و سادگی و صمیمی و آگاه مثل خلیج‌فارس بودنشان به ذهنم می‌آید و همیشه فکر می‌کنم این مردمان برای زندگی در این خطه به دنیا آمده‌اند. خوب بادم هست که اولین باری که قدم به بندر گذاشتم. چشمم به خلیج فارس افتاد دیگر دلم نمی‌خواست از آن‌جا بروم. فکر می‌کنم هر کسی پا به این خطه بگذارد و خلیج‌فارس را ببیند و این بوم و عظمت را دریافت کند، هرگز دلش نمی‌خواهد جای دیگری زندگی کند.

■ **شعر جنوب چه دارد که آن را از شعر شاعران بوم‌ها و جغرافیاهای دیگر متمایز می‌کنند... مشخص‌تر بگویم. خلیج فارس چه دارد که شعرش، موسیقی‌اش و ترانه‌اش این قدر به هر گوش و هر دلی می‌نشیند؟**
سؤال خوبی است. اینجا متوجه شدم که هنرمندان این خطه، در هر حوزه‌ای از جمله شعر موسیقی و ترانه، به خودشان هرگز اجازه ندادند ذوق و درک بومی خود را کنار بگذارند و برای ورود به شعری که نام شعر مرکز یا... را دارد، تحت تأثیر شعر دیگری در بافت و اقلیم دیگری باشند. به همین دلیل است که شما می‌بینید شعر جنوب چقدر زیبایی واژگانی دارد و یکی از دلایلش همین است که هنرمندان جنوبی بیشتر تحت تأثیر اقلیم و جغرافیا و پیرامون خودشان هستند تا شاعران و نویسندگانی در بوم‌های دیگر؛ البته که به شعر روزگار خود آگاه هستند و مطالعه دارند و آن را بخوبی می‌شناسند. مثلاً مرحوم ابراهیم منصفی، عاشق شاملو بود و بسیار دوستش داشت و شاملو هم همین رابطه را با منصفی داشت و مدام با او در

عطیه‌ای با شکوه بر دامن زیبای ایران

در بهنای کهکشان، در محفل شگفت‌انگیز سیارات، در یگانه تجلی گاه حیات و آگاهی و یوایی، کنستره‌ای از دوره‌های تاریخ براطلس جهان نقش بسته که در آرامش مخملین آب‌های گرمش خاک زرین ایران را به آغوش گرفته است. این پهنه سربرآورده در آب‌های فیروزه‌ای. خلیج همیشه فارس کرامت‌پرور است، عطیه‌ای چشمگیر و باشکوه که بر دامن زیبای ایران بزرگ خوش‌درخشیده است. امواج کهنش روح هریرانی را سرشار از ستایش و غرور می‌کند. شکرانه میرانی چنین گرانبه‌اویی نظیر امر دمانی می‌داند که گوشه گوشه ایران بزرگ را پاره تن خود می‌داند و ذره ذره این خاک را سرمره چشم ساخته‌اند. سلام بر مدافعان این عطیه الهی و فرخنده باد روز خلیج همیشه کیگی فارس.



فیلمساز

تماس بود اما هرگز شعرش شبیه شاملو نشد و رفتار شاعرانه خود را در شعر داشت.

■ **در یکی از بسیار شعرهایتان درباره و خطاب به خلیج فارس از عنوان خواهر استفاده کرده‌اید... «دریا شده‌ست خواهر و من هم برادرش...» چرا خواهر؟**
این را از اشاره ناصر عبدالهی دارم. در بندرعباس یاتوقی داشتم که پشت فرودگاه بود و خلوتی در کنار خلیج‌فارس. ناصر خیلی وقت‌ها برای تمرکز و انجام کارهای تازه‌اش به آنجا می‌رفت و من هم گاهی با او می‌رفتم. یک روز به من زنگ زد و گفت: «دارم می‌روم یاتوقی‌مان. می‌آیی؟ دریا خواهر است.» من گمان کردم می‌گوید به همراه خواهرم می‌روم. من هم رفتم. دیدم تنهاست. گفتم خواهرت کجاست؟ آنجا بود که متوجه تعبیر زیباییش شدم و همان‌روز این شعر را نوشتم و تمام کردم. ناصر می‌گفت به این دریا نگاه کن بین چه آرامش عجیبی دارد و انگار از تمام وجود وی دریغ آدم را در آغوش می‌گیرد. راست می‌گفت و سرخوش شدم از این تعبیر. ناصر، دریا را خواهر خودش می‌دید و من هم رفتم که خواهر ناصر را ببینم و دیدم. ■ **از اولین روزی که چشمتان به خلیج فارس افتاد تا امروز که به آن نگاه می‌کنید به نظر خودتان تغییری در نگاهتان ایجاد شده است؟**
روزهای اول من هم مثل بسیاری دیگر که کلمه «جادو» استفاده می‌کنند فکر می‌کردم جادو شده‌ام، اما از زمانی که با آن انس گرفتم، متوجه شدم که نه، جادو نیست بلکه توامان واقعیت و حقیقتی است بزرگ با دریافتی ویژه و اصیل. انگار می‌خواهد دریافتی از چیزی که نمی‌دانستید را به شما ارائه دهد. حالا به‌نظر همه این شکوه و زیبایی کلاسی است که در زاویه دریا و ساحل تشکیل شده و اگر خلوتی را بیابیم با خود خودمان باشیم، چه صرفاً نگاه به خلیج فارس و چه قدم زدن در کنارش می‌تواند منجر به آفرینشی شود که خود آفرینده اثر را شگفت‌زده کند.

■ **سایدن و وظیفه‌ای به این خواهر بزرگ و تاریخی که پاره بزرگی از هویت ماست داریم؟ یا به گفته‌ای دیگر، رابطه ما با خلیج فارس از دید شما به عنوان یک شاعر چگونه تعریف می‌شود؟**

همین این است که درک ما از این خطه چگونه است. اگر در آن زندگی کنیم و درکش کنیم طبیعی است هر چیزی در این جغرافیا ببینیم همواره جلوه‌ای ناپذیده است که انگار مدام آن را پیدا و کشف می‌کنیم. تجربه شخصی‌ام به من می‌گوید که دریا و ساحل جایی برای خلق هنر است، خاصه برای شعر که وقتی می‌سرایید انگار شعر شما را می‌آفریند و نه شما شعر را. این واقعیتی است که خود من تجربه‌اش کرده‌ام. کافی است در بازارهای قدیمی قدم بزنید تا ترجمان لهجه و زبان و خلوص خلیج‌فارس را در مردمان بومی ببینید که چقدر بی‌دریغ و مهربان هستند. سال‌ها پیش با همسرم در این بازارها قدم می‌زدیم که چشممان به فرش‌ی خود را نقشی که مبهوت‌مان می‌کرد. فرش‌شده بُهت ما را از دیدن این زیبایی متوجه شد و بعد از مکالمه کوتاهی مرا در آغوش گرفت و وقتی دید چقدر مسحور این طرح و فرش شدم با اینکه آمادگی خریدش را نداشتم بی‌هیچ چشم‌داشتی آن را به من داد و این دیگر شیرین‌زبانی برای فروش نبود چون هیچ پولی نمی‌خواست و فقط می‌خواست فرش را ببریم. خودش هم ماشین گرفت و فرش را به خانه ما رساند. این چیزی است که مردم از خلیج فارس و آن بوم و دریا و ساحل به ارث می‌برند و در رگ و خون شان است.



محمدعلی بهمنی به همراه همسرش در کنار خلیج فارس

فرهنگ‌سازی با کلمات قصار، ضرب‌المثل‌ها و نقل قول‌ها

می‌تواند تیتیر مقاله‌ای با عنوان کتابی باشد، کم‌اینها شده است. دقت کنید چه تعداد از ابیات بابخش‌هایی از ابیات غزل‌های حافظ در عنوان‌های ما به کار رفته‌اند. رباعی را دیگر نمی‌گویم. قالبی کوتاه با محتوای عموماً فلسفی که براجتی به یاد می‌ماند و چه بسا به‌خاطر تشبیه‌های اندکی طنزآمیز خود به یادماندنی است: بهرام که گوری گرفتی همه عمر/ دیدی که گور چگونه بهرام گرفت.

عنوان روزنامه‌هایی دیگر از قالب‌های کوتاه است. بازی زبانی با کلمات در عنوان هم یک جور لُت زبانشناختی دارد و هم باعث به یاد ماندن آن می‌شود. سال‌ها پیش روزی جمله انگلیسی زبانی خواندم: What is Let؟ که یعنی «چپ [چپ‌گرایی] چیست؟» اما در همین حال به این معنا هم هست که «چه باقی مانده است؟» یا یعنی از چپ‌گرایی چه به جا مانده است؟ هر روزنامه‌نگاری می‌داند که بسیاری از کسانی که محله را ورق می‌زنند احتمالاً فقط عنوان‌ها و عنوان‌های قرع‌ای خوانند و بنابراین نقش آن‌ها تعیین‌کننده است و اگر خوب انتخاب شوند هم خواننده را به خواندن مقاله برمی‌انگیزند و هم حتی خود ممکن است مستقل از مقاله به یاد بمانند. نقل قول از بزرگان در زمینه‌های مختلف نیز روزبه‌روز برایم اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. آن‌چه در انگلیسی به‌عنوان quot (کوتاه شده quotation) در سایت متعددی در اینترنت یافتنی است، وقتی عکاسی بر اساس تجربه چندین دهه‌ال‌ش می‌گوید: «تصادف نقش مهمی در همه هنرهایم بخصوص در عکاسی دارد.» ناگهان یک بار که جمله کوتاهی چیزی را خلاصه می‌کند که هر کس بعد از مدتی عکس گرفتن به آن می‌رسد. اما حالا می‌شود از این عکاس معروف نقل کرد و به اعتبار او حرف خود را به کرسی نشاند. این نقل قول‌ها اعتبار گوینده‌شان را یکد می‌کنشد، برعکس ضرب‌المثل‌هایی که مؤلف ندارند. این حرف‌های شخصیت‌های فیلم‌ها و زمان‌ها را هم می‌توان در زمره همین‌ها به حساب آورد.

عباس کیارستمی در گزینه‌گویی به طولایی داشت. در مصاحبه‌ای، بعد از اینکه می‌گوید «بعد از گزارش دیگر از هیچ زن کی‌لِوآپ نگرفتم»، به مصاحبه‌کننده گوشزد می‌کند «دارم بهتر تیر می‌دهم». یعنی او آگاهانه جمله‌ای می‌گوید که مستقلاً معنا دارد و می‌تواند عنوان مصاحبه شود. علاقه او به شعرهای هایکوماند چندسطری هم از همین جامی‌آید. شاید همه این‌ها از طراحی پوستر و ساختن فیلم تبلیغاتی که باید در کوتاه‌ترین زمان پیغام اصلی (را به‌بیننده برساند. حقیقتاً تبلیغات یکی از جاهایی است که بیان موجز می‌طلبد. جمله‌هایی که روی بیلبوردها تبلیغاتی نوشته می‌شوند از قالب‌های کوتاهی هستند که در ساختن فرهنگ عمومی نقش مهمی دارند.

دعای روز پنجم

ماه مبارک رمضان

اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَّقِينَ وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ الْقَاتِنِيْنَ وَ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ اَوْلِيَاكَ الْمُقَرَّبِيْنَ بِرَافِقِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

خدايا قرار ده مرا در اين ماه از آمرزش جويان و از بندگان شايسته فرمائيدار و از اوليای مَقَرَّبَت، به رافتت ای مهربان ترين مهربانان

دعوت به نيکي‌ها

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ اُمَّه يَدْعُوْنَ اِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴)

و از ميان شما بايد گروهی به خير دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارند.

امر به معروف، نشانه عشق به مکتب، عشق به مردم، علاقه به سلامتی جامعه و نشانه آزادی بیان، غیرت دینی، ارتباط دوستانه بين مردم و نشانه فطرت بیدار و نظارت عمومی و حضور در صحنه

است.

امر به معروف و نهی از منکر، سبب تشويق نیکوکاران، آگاه کردن جاهلان، هشدار به خلافکاران و ایجاد نوعی انضباط اجتماعی است.

حضرت علی(ع) می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، مصلحت عامه است. و در حدیث دیگر می‌خوانیم: کسی که جلوی منکر را نگیرد، مانند کسی است که مجروحی را در جاده رها کند تا بمیرد.

قیام امام حسین(ع) برای امر به معروف و نهی از منکر بود. «أريد ان امر بالمعروف وانهي عن المنكر»

سکوت و بی تفاوتی در مقابل گناه، سبب می‌شود که گناه کردن عادی شود، گنهکار جرأت پیدا کند، شیطان راضی شود و خدا بر ما غضب کند.

اگر کسی را به کار خوبی دعوت کردیم، در پاداش کارهای خوب او نیز شریک هستیم، ولی اگر در برابر فساد، انحراف و گناه ساکت نشستیم، بتدریج فساد رشد می‌کند و افراد فاسد و مفسد بر مردم حاکم خواهند شد.

انسان باید از انجام گناه هم در دل ناراحت باشد، هم با زبان، نهی کند و هم با بهره‌گیری از قانون، مانع انجام آن شود.

توجهیاتی از این قبیل که: گناه دیگران کاری به ما ندارد، آزادی مردم را سلب نکنیم، من اهل ترس و خجالت هستم، با یک گل که بهار نمی‌شود، عیسی به دین خود موسی به دین خود، ما را در یک قبر قرار نمی‌دهند، دیگران هستند، من چرا ام؟ به معروف کنم؟ یا نهی از منکر، دوستان یا مشتریان خود را از دست می‌دهم و امثال آن، نمی‌توانند این تکلیف را از دوش ما بردارند.

■ **امر به معروف، نشانه بهترین امت**
«كُنْمْ خَيْرَ اُمَّه اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَذٰلِكَ هُمُ الْيُوسُفُونَ ۝۱۱۰» (آل عمران، ۱۱۰)
شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر (و برگزیده) شده‌اید. به‌خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها، نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید....

۱. بهترین امت بودن با شعار نیست، با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است.
۲. درامت ساکت و ترسو خیری نیست.
۳. امر به معروف و نهی از منکر، معیار امتیاز امت‌هاست.
۴. مفارش به خوبی‌ها، بدون مبارزه با فساد، کم نتیجه است.
۵. امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر است.
۶. در امر به معروف، سن و سواد و موقعیت اجتماعی نقشی ندارد.
هر یک از افراد امت، حتی یک دختر ۹ ساله حق دارد رئیس جمهوری را امر و نهی کند.
چنانکه لقمان به فرزندش گفت: «یا بني اقم الصلاه و امر بالمعروف...».

هنوز هم تو را می‌جویم

هیچ شبی نیست که از خویش صبحم چرا از تو دور افتاده‌ام و هیچ صبحی نیست که به عزم رسیدن به تو از بستر جان‌نشوم.

تلنگرهای بسیاری را تجربه کرده‌ام اما هرگز آنگونه که شایسته بود با تو همراه نشده‌ام.

ای فرو فرستاده باران مهر و رحمت! اگر به‌دام آمرزنده، شهرت نداشتی. اگر آلودتر از من را پاک نساخته بودی. اگر دروازه فرخ مغفرتت را باور نداشتم و

اگر تو را به گذشت و چشم‌پوشی نمی‌شناختم، هرگز شجاعت این را نداشتم که به سویت بازگردم و به دامن عفو تو، بیاویزم. سال‌هاست به شایستگان سرافراز کی که در منزلگاه صدق و سلامت آرامش یافته‌اند و حجاب‌های نور را دریده و در کنار تو منزل گزیدند، غبطه می‌خورم.

آنها که جان‌هایشان، مظهر بود و نفس‌شان، مطمئنه و نفس‌شان، گرم و پرشور. افکارشان نورانی بود و کردارشان خالص و بی‌آلایش. جز تو را نخواستند و جز تو طلب نکردند... و چه زیبا و شگوهمند بر سفره اکرام تو میهمان شده‌اند و همصحب و اولیای تو از آنچه شایسته پاکیزگان است، بهره می‌برند. چه سرافراز خواهیم بود که به لطف و اکرام خویش نوازشم کنی و مرا از این تنهایی و حیرت برهانی.

به سربلند خواهیم بود که از خاک تیرگی و گمراهی بلندم کنی و چه ببلندی رویبراهم سازد و در آغوش مهر خویش مأویم دهی. ای آشأت از من به من!

وای نزدیکتر از هرکس به این کوچک!

هنوز هم تو را می‌جویم. مرا در بهشت شیرین یاد خویش مأوا بده که جز تو نباهی نمی‌دانم. سرگشته‌ام و بهر پناه آمده‌ام با ناله و اشک و سوز و آه آمده‌ام ای رحمت تو همیشه پیش از غضبت در بارگاه تو عذرخواه آمده‌ام

رمضان المبارک



حجت الاسلام والمسلمین محسن قرانتي

است.

امر به معروف و نهی از منکر، سبب تشويق نیکوکاران، آگاه کردن جاهلان، هشدار به خلافکاران و ایجاد نوعی انضباط اجتماعی است.

حضرت علی(ع) می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، مصلحت عامه است. و در حدیث دیگر می‌خوانیم: کسی که جلوی منکر را نگیرد، مانند کسی است که مجروحی را در جاده رها کند تا بمیرد.

قیام امام حسین(ع) برای امر به معروف و نهی از منکر بود. «أريد ان امر بالمعروف وانهي عن المنكر»

سکوت و بی تفاوتی در مقابل گناه، سبب می‌شود که گناه کردن عادی شود، گنهکار جرأت پیدا کند، شیطان راضی شود و خدا بر ما غضب کند.

اگر کسی را به کار خوبی دعوت کردیم، در پاداش کارهای خوب او نیز شریک هستیم، ولی اگر در برابر فساد، انحراف و گناه ساکت نشستیم، بتدریج فساد رشد می‌کند و افراد فاسد و مفسد بر مردم حاکم خواهند شد.

انسان باید از انجام گناه هم در دل ناراحت باشد، هم با زبان، نهی کند و هم با بهره‌گیری از قانون، مانع انجام آن شود.

توجهیاتی از این قبیل که: گناه دیگران کاری به ما ندارد، آزادی مردم را سلب نکنیم، من اهل ترس و خجالت هستم، با یک گل که بهار نمی‌شود، عیسی به دین خود موسی به دین خود، ما را در یک قبر قرار نمی‌دهند، دیگران هستند، من چرا ام؟ به معروف کنم؟ یا نهی از منکر، دوستان یا مشتریان خود را از دست می‌دهم و امثال آن، نمی‌توانند این تکلیف را از دوش ما بردارند.

■ **امر به معروف، نشانه بهترین امت**
«كُنْمْ خَيْرَ اُمَّه اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَذٰلِكَ هُمُ الْيُوسُفُونَ ۝۱۱۰» (آل عمران، ۱۱۰)
شما بهترین امتی هستید که برای مردم ظاهر (و برگزیده) شده‌اید. به‌خوبی‌ها فرمان می‌دهید و از بدی‌ها و زشتی‌ها، نهی می‌کنید و به خدا ایمان دارید....

۱. بهترین امت بودن با شعار نیست، با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است.
۲. درامت ساکت و ترسو خیری نیست.
۳. امر به معروف و نهی از منکر، معیار امتیاز امت‌هاست.
۴. مفارش به خوبی‌ها، بدون مبارزه با فساد، کم نتیجه است.
۵. امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر است.
۶. در امر به معروف، سن و سواد و موقعیت اجتماعی نقشی ندارد.
هر یک از افراد امت، حتی یک دختر ۹ ساله حق دارد رئیس جمهوری را امر و نهی کند.
چنانکه لقمان به فرزندش گفت: «یا بني اقم الصلاه و امر بالمعروف...».

ز مژه‌ها



سید حبیب حبیب‌پور

اگر تو را به گذشت و چشم‌پوشی نمی‌شناختم، هرگز شجاعت این را نداشتم که به سویت بازگردم و به دامن عفو تو، بیاویزم. سال‌هاست به شایستگان سرافراز کی که در منزلگاه صدق و سلامت آرامش یافته‌اند و حجاب‌های نور را دریده و در کنار تو منزل گزیدند، غبطه می‌خورم.

آنها که جان‌هایشان، مظهر بود و نفس‌شان، مطمئنه و نفس‌شان، گرم و پرشور. افکارشان نورانی بود و کردارشان خالص و بی‌آلایش. جز تو را نخواستند و جز تو طلب نکردند... و چه زیبا و شگوهمند بر سفره اکرام تو میهمان شده‌اند و همصحب و اولیای تو از آنچه شایسته پاکیزگان است، بهره می‌برند. چه سرافراز خواهیم بود که به لطف و اکرام خویش نوازشم کنی و مرا از این تنهایی و حیرت برهانی.

به سربلند خواهیم بود که از خاک تیرگی و گمراهی بلندم کنی و چه ببلندی رویبراهم سازد و در آغوش مهر خویش مأویم دهی. ای آشأت از من به من!

وای نزدیکتر از هرکس به این کوچک!

هنوز هم تو را می‌جویم. مرا در بهشت شیرین یاد خویش مأوا بده که جز تو نباهی نمی‌دانم. سرگشته‌ام و بهر پناه آمده‌ام با ناله و اشک و سوز و آه آمده‌ام ای رحمت تو همیشه پیش از غضبت در بارگاه تو عذرخواه آمده‌ام